

## هشدار !!!!! روباه های شیر نما؟؟؟

جنبش کمونیستی و جنبش انقلابی در چند دهه اخیر تحت رژیم های سرمایه داران خونخوار سلطنتی و اسلامی وابسته به امپریالیسم، ارزنده ترین نیروهای خود را از دست داده است و این بهای سنگین تنها و تنها به خاطر ادامه مبارزه پی گیر و سرسختانه برای قطع دستان خون چکان سرمایه داران و مال کارگران و زحمتکشان بوده است و پیامشان آینه تمام نمایی است که همیشه در مقابل کسانی است که به مبارزه طبقاتی پی گیر و آشتی ناپذیر با دشمنان کارگران و زحمتکشان تا نابودی آنها اعتقاد دارند و در عین حال نشان دهنده زنگارها که اعلام خطر به کوچکترین لغزش و انحراف از این مبارزه که پای گذاشتن در راهی است که به جای دفاع از منافع طبقه کارگر و زحمتکشان به دفاع از منافع دشمنان طبقه می انجامد.

برگهای سیاه تاریخ از جنایات توده ای های جاسوس دو رژیم و باند فرخ نگر دار جاسوس و قاتل کمونیست ها و انقلابیون گواه آن است.

بنابراین باید هوشیار بود که انحراف از مبارزه طبقاتی به رقابت هائی همچون بازارهای عنان گسیخته سرمایه که ماست من شیرین است و ماست فلان مغازه ترش، می انجامد و در عرصه سیاسی، سیاست بازی های بورژوائی برای خارج کردن رقبا از میدان با شیوه های ضد انقلابی و ایجاد فضائی مسموم از بی اعتمادی برای پنهان کردن منافع شخصی که همان منافع بورژوائی است.

در این فضای مسموم و متعفن حتی تهمت زدن به کسانی که حاضر به سرفروید آوردن در مقابل جانینان

سرمایه دار نشدند به بی شرمانه ترین شکلی توسط فرصت طلبانی آلوده بر احتی انجام می شود تا بزعم خودشان با خارج کردن رقیب از میدان تاج افتخار خدمت به بورژوازی را دریافت کنند و این آلودگان فریب کار چون خودشان برای هر نوع مزدوری آماده اند، نمی دانند، که یک نیروی رادیکال در بازیهای بورژوائی هرگز شرکت نخواهد کرد.

لنین آموزگار کبیر پرولتاریا می گوید، (البته در این جا نقل به مضمون است)، به هنگام بحران سیاسی هر چه کند و کثافت است خود را نمایان می کند. در این یادداشت اگر خواسته شود، که از گنداب سیاست بازی های فرصت طلبان نمونه هائی بازگو شود، دفترها باید سیاه کرد. بنابراین تنها برای هشدار به نیروهای انقلابی و رادیکال معتقد به طبقه کارگر و زحمتکشان از خیمه شب بازی های بعضی از این افراد آلوده نمونه آورده می شود.

فرصت طلبی که ننگ رفتن به جاسوسخانه سرمایه داران اسلامی برای گرفتن پاس را بر پیشانی خود چسبانده و به ایران رفته و برگشته با بی شرمی خود را کمونیست و انقلابی قالب می کند و با دهان گشاد و متعفن به زندانیان مقاوم سیاسی سابق که در سیاه چالهای سرمایه در مقابل شکنجه گران مقاومت کردند و سرفروید نیاوردند تهمت تواب بودن و همکار رژیم سرمایه داران زالو صفت اسلامی را میزند، فرد دیگری که حتی پایش هم به زندان نرسیده و در بیرون زندان واداده است بزعم خود، خودش را کمونیست و انقلابی جا میزند و در مورد یک زندانی سیاسی مقاوم سابق لجن پراکنی می کند که تواب بوده و با همکار جانینان سرمایه هست، این فضای آلوده به کسی که در زندان آرام و سرپراه بوده میدان میدهد که در خارج از زندان در محافل و بحث های پالتاکی به عنوان **خاطرات زندان**، برای خودش پرونده قهرمان بودن باز کند و برای زندانیان سیاسی مقاوم سابق خط و نشان بکشد و با دهانهای آلوده هم سرائی بکند.

براستی این گونه لجن پراکنی ها و فضای مسموم متعفن را به حساب چه کسی باید گذاشت؟ آیا انگشت اشاره را باید به طرف توده ای های همیشه جاسوس و پادو هایشان فرخ نگر دار قاتل و وزارت اطلاعات و شکنجه سرمایه داران اسلامی نشان رفت که بزعم خودشان برای خراب کردن و بی اعتبار کردن فرزندان جانفشان کمونیستی و انقلابی، مزدورانشان را و امیدارند که از لجن زار اسنادشان سیاهنامه پر کنند، و عده ای وادار شونده که برای بی اعتبار و منزوی کردن بازماندگان مقاومتی که از قتل عام های سالهای ۶۷ و ۶۰ باقی مانده اند، کثیف ترین تهمت های را که تنها شایسته خودشان هست، نشخوار کنند.

در اوایل سالهایی که وزارت اطلاعات و شکنجه رژیم جانی وابسته به سرمایه داران جهانی، سیاه چال هایش مملو از یه اسارت گرفته شدگان بود، برای ایجاد جو رعب و وحشت در اذهان عمومی شایع کرده بود که تمام کسانی

که در شکنجه گاه هایش هستند، تواب شده اند و به تقلید از شیوه های کثیف شکنجه گران، در این فضای مسموم رقابت بورژوائی، خانم سیاه نامه نویس به اصطلاح خاطرات زندان و یا بخوان افسانه برای خردسالان به خیال خام خود به منظور مقاوم نشان دادن خود و خراب کردن دیگران در آستانه بورژوازی به خوش رقصی پرداخته بود و خود را قهرمان زندان قالب میکرد، همچنان به خوش رقصی مشغول است، با هم نوائی با شکنجه گران مدعی شده است که کسانی که از شکنجه گاه ها بیرون آمده اند تنها ۹ نفر تواب نبودند، که احتمالاً بر اساس همان افسانه ای که برای خردسالان سیاه قلمی کرد، خود ایشان یکی از آن ۹ نفر هستند، شاید هم به خاطر اینکه ایشان در سیاه چالها، پا به پای تواب ها در خیمه شب بازی انتخابات رژیم خونخوار شرکت میکرد و رأی میداد خود را " انقلابی" و کسانی که حاضر به رأی دادن نبودند، از دید ایشان باید "تواب" می بودند، باز هم ایشان تصویری ندارند، چون افتخار داشتند که اکثر دوران زندانشان در بند توابها و بریده ها باشند و در بیرون زندان هم از توابین دفاع کنند، زیاد دور نمیرویم، شاید هم به دلیل اینکه ایشان سخنگوی بازجویانشان بودند و اخبار دروغ بازجو را برای یکی از زندانیان مقاوم که زیر بازجویی و شکنجه وحشیانه بود، ( بطوری که به روی زانو هایش می خزید )، منتقل میکرد، او از طرف بازجوی جانی به زندانی مقاوم خبر میداد که برادرت مصاحبه کرده و قرار است مصاحبه اش از بلندگوی زندان پخش شود و بعد از اینکه از مصاحبه برادرش خبری نمیشود، اظهار فضل میفرمایند که خبر ندارد چرا مصاحبه پخش نشد یعنی ایشان نمیدانستند که بازجو برای شکستن روحیه بالای زندانی زیر شکنجه یک چنین ماموریتی را به او داده است؟! و جالب اینکه حرفهای بازجوها برایش آن چنان معتبر است که می گوید: " نمی دانم چرا مصاحبه پخش نشده است"، واقعاً این بی شرمی محض نیست که چنین افرادی با چنین سابقه مشکوک و کثیفی خارج از زندان خود را قهرمان جا بزنند و بقیه زندانیان مقاومی که در مقابل شکنجه گران سر فرود نیاوردند، تهمت توابی بزنند.

کسانی که در شکنجه گاه های جانیمان سرمایه بودند، به خوبی میدانند، که به هیچ عنوان یک زندانی سر موضعی را با یک زندانی که زیر شکنجه و بازجویی هست قرار نمیدهند، به خاطر اینکه زندانی سر موضعی چگونه برخورد در زیر بازجویی و روحیه مقاومت به زندانی زیر بازجویی و زیر شکنجه میدهد، از همه مهمترین زندانی سر موضعی به هیچ وجه گزارشگر بازجو نمی شود، و شکنجه گر هم طرف خود را بخوبی می شناسد .

برای همه زندانیان سر موضعی روشن هست که شکنجه گران، برای اینکه روحیه زندانیان دیگر را خراب کنند، می گویند فلانی بریده است و همه اطلاعاتش را داده است، و یا فلانی مصاحبه کرده است و ... به هیچ وجه فریب این حيله ها نمی خورند.

### حال تواب کیست ؟

این خاتم ، که افتخاریک چنین " پرونده درخشانی" را دارند ، یا کسانی که از سیاه چالها بیرون آمدند و حاضر به هیچ نوع همکاری با جلاان نشدند تواب هستند یا ایشان؟

البته در این یادداشت نمی گنجد که اسناد بیشتری از ایشان، برای نشان دادن اینکه چه کسی تواب است عنوان شود، ولی باید یادآوری کرد که ایشان و همفکرانش که به ایران سفر می کنند و خود را کمونیست هم جا می زنند و به زندانیان مقاوم تهمت همکار رژیم را می زنند، کور خوانده اند، که بتوانند چنین خز عبلاتی را به خورد کارگران و زحمتکشانشان بدهند، به جزء یک سری از قماش خودشان یعنی روشنفکران خرده بورژوازی چرتکه انداز.

باید به این کسانی که برای تاج افتخار از طرف بورژوازی ثانیه شماری می کنند، گفت که دستگاه عریض و تحویل وزارت اطلاعات و شکنجه خونخواران حاکم نتوانسته است، بی اعتمادی نسبت به بهترین فرزندان کارگران و زحمتکشانشان در اذهان عمومی ایجاد کند، چه رسد به شما روشنفکران خرده بورژوازی بی مایه ای که برای دریافت تاج افتخار مشغول خوش رقصی در آستان بورژوازی هستید.

کسانی که دست به یک چنین شیوه های کثیف و مشمئز کننده میزنند، بدون شک نمی توانند، دستان آلوده شان را با تهمت زدن به زندانیان سیاسی مقاومی که از چنگالهای خونین جانیمان سرمایه جان بدر بردند، پنهان کنند.

صبا اسکویی